گزارش یک واقعه: تظاهرات ۲۱ آبان ۱۳۳۲

نوری در تاریکی

برگی از تاریخ

امیر (بهروز) طیرانی

وقتی عصـــر ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ کودتاچیان حکومت دکتر مصدق را ســـرنگون کردند و مراکز دولتی را تصرف نمودند و شب با رؤیای اتمام کار به خانه رفتند، تصور نمی‌کردند که این قصه ســـر دراز داشته باشد. تصور آنها این بود که بعد ازتصرف مراکز قدرت و بازداشت تعدادی از عناصـــر طرفدار دکتر مصدق و نیز فعالان ســـایر احزاب و گروههای سیاسی همچون توده‌ای‌ها، غائله به پایان خواهد رســـید و همه چیز به خوبی و خوشی به نفع کودتاگران و حامیان آمریکایی ـ انگلیسی آنها پایان خواهد یافت.

اما این تصور خام دولت برآمده از کودتا که برخاسته از عدم شناخت و آگاهی آنهـــا از جامعه ایرانی و مردم این سرزمین بود، خیلی سریع هنگامـــی رنگ باخت که به فاصله چنـــد روز پـــس از ۲۸ مرداد، در خانه‌های خیابانهای مرکزی شـــهر همچون خیابان شـــاهپور، منیریه، خیابان فرهنگ و... اعلامیه‌هایی با این مضمون پخش شـــد: «نهضت ادامه دارد».

مبتکر توزیـــع این اعلامیه‌ها کسی نبود جز آیت‌الله حاج سیدرضا زنجانـــی، یکی از علمای مطرح و بانفوذ تهران که دو روز بعد از کودتا، با دعوت از چند از هواداران مصدق همچون حسین شاه‌حسینی و عباس رادنیا و با اســـتفاده از کاغذ کاربن، اعلامیه‌های مزبور را نوشتند و تکثیر و توزیع کردند. آیت‌الله زنجانی در ادامه این اقدام، با دعوت از عده‌ای از یاران و هواداران و همکاران سابق دکترمصدق، تشکیلاتی را برای مقابله با رژیم کودتا بنیان گذاشت که پس از چندی نام «نهضت مقاومت ملی» برآن نهاده شد و در طول دهه ۱۳۳۰ تأثیر مهمی بر فضای سیاسی ایران بر جای گذاشت.

نهضـــت مقاومـــت ملی در طول ســـالهای فعالیـــت خود با انتشار اطلاعیه، برگزاری جلسات ســـخنرانی، نشریه‌های راه مصدق، مکتب مصدق، درخواست تظاهرات از مردم و دانشجویان، و ترتیب دادن اعتصابهای دانشجویی و تعطیل بازار توانست گامهای زیادی در راه افشای شـــاه و رژیم کودتا بردارد. از جمله اقدامات تأثیرگذار نهضت مقاومت، برگـــزاری دو اعتصاب و تظاهرات مهـــم در۱۶ مهر و۲۱آبان ۱۳۳۲ در اعتراض به کودتا و برگزاری محاکمه ناعادلانه دکترمصدق بود.

نخســـتین اقدام در این زمینه در ۱۶مهـــر۱۳۳۲ صورت گرفت. بـــه دنبال فراخوان نهضت مقاومت ملی، بازار تهران با بســـتن مغازه‌ها و تظاهـــرات علیه رژیم و شـــعار به نفـــع مصدق، نارضایتی مردم و اصناف را از محاکمه دکترمصدق به نمایش گذاشتند. به گزارش روزنامه اطلاعات: «دیروز عصر دو اعلامیه یکی از طرف جمعیت مقاومت ملی و یکی دیگر از از طرف دانشـــگاه در بازار به طور مخفی منتشـــر شد. مضمـــون این اعلامیه‌ها این بود که باید فردا دکاکین بازار بسته شود و بر له دکتر مصدق تظاهراتی صورت گیرد واگر چنانچه دکاکین بازار بسته نشود و باز باشد، آتش خواهیم زد.» (اطلاعات ۱۶مهر۱۳۳۲ـ ص۱۲)

با ایـــن حال در روز ۱۶ مهر به رغم تمهیدات نیروهای نظامی و انتظامی و حضور شخص سرلشکر دادســـتان فرماندار نظامی تهران در بازار تهران و گفتگو با ســـران بازار که در تجارتخانه حاج حســـینعلی جواهریان انجام گرفت، تقریباً کلیه بازار تهران (اطلاعات، همان تاریخ) به جز بازار زرگرها و جواهرفروش‌ها با تعطیل مغازه‌های خود به دعوت نهضت مقاومت پاسخ مثبت دادند. از ســـوی دیگر بازاریان به همراه مردمی که از گوشـــه وکنار شهر به بازار آمده بودند و به‌ویژه دانشجویان دانشگاه تهران علیه شاه و کودتاگران تظاهرات کردند. این تظاهرات در حالـــی انجام گرفت که به گزارش اطلاعات، از صبح آن روز مأموران به هر کســـی که در بازار وحوالی آن مشـــکوک می‌شدند، بازداشتش می‌کردند. (اطلاعات، همان تاریخ)

به‌رغم تلاش مأموران فرمانداری و نظامی و بازداشـــتهای وسیع، در تظاهرات آن روز دو نفر کشـــته و عده‌ای مجروح شدند. مأموران نظامی با اســـتفاده از زور اسلحه توانستند بـــه تظاهرات خاتمه دهند. به گفته آقای حسین شاه‌حسینی: «در روز ۱۶ مهر مأموران فرمانداری نظامی کرکره مغازه‌های بـــازار را علامت‌گذاری کردند تـــا با صاحبان آنها برخورد شود. بخشی از سقف بازار توسط مأموران تخریب شد و اموال بعضی مغازه‌ها به غارت رفت.» (درجستجوی آزادی؛ خاطرات در دســـت انتشار حسین شاه‌حسینی)

فردای آن روز عده‌ای از سران بازار و از جمله حاج ابوالقاســـم عظیمی، حاج غلامحسین اتفاق، حاج حسن شمشیری، حاج اصغر جهان، حاج محمدحسین راسخ افشار، حاج تقی انـــوری و... جمعی دیگر از بازاریان سرشناس بازار تهران دستگیر و روانه زندان شدند و از این میان، کسانی همچون شمشیری، انوری، حاج محمود مانیان و... بعد از چندی به جزیره خارک تبعید شدند و بیش از شـــش ماه در آنجا به سر بردند. (اطلاعات، همان تاریخ) بقیه بازداشـــت شدگان نیز با تهدید مجبور به امضای متنی در محکومیت بازار و پشتیبانی از رژیم شدند که در روزنامه‌ها منتشر گردید و آنگاه آزاد شدند.

با این همه و به‌رغم فشارهای شدید علیه بازاریان و مردم، تجربه موفق این تظاهرات موجب شد تا یـــک ماه بعد، بار دیگر در اعتراض به محاکمه دکتر مصدق و بازگشایی سفارت انگلستان در تهران، تصمیم به تکرار تجربه ۱۶ مهر گرفته شود. به گفته آقای شاه‌حســـینی، آیت‌الله زنجانی با انتشار اعلامیه شخصاً از بازاری‌ها و دیگر اصناف درخواست کـــرد تعطیل عمومی اعلام کنند. از سوی دیگر با هماهنگی‌های به عمل آمده با ســـایر احزاب وگروههای عضو نهضت مقاومت و نیز حزب توده، نهضـــت مقاومت با صدور اطلاعیـــه‌ای روز ۲۰ آبـــان را روز برگـــزاری تظاهرات عمومی علیه بازگشایی سفارت انگلستان اعلام کرد و از مردم و دانشجویان خواست در این تظاهرات شـــرکت کنند. بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده، قـــرار بود تا در صبح روز ۲۱ مهر در چهـــار نقطه بـــازار تهران و از جمله چهارسوق بزرگ و کوچک، سخنرانی‌های کوتاهی برگزار و سپس تظاهراتی انجام شود.

برای سخنرانی‌ها، آقایان حاج ســـیدمهدی حاج قوام، شیخ باقر نهاوندی، امامی کاشـــانی و حسین صالحی در نظر گرفته شـــده بودند. بـــه گفته شاه‌حســـینی که خود از ترتیب‌دهندگان تظاهرات بود و در آن روز در بازار حضور داشت: «در آن روز آقا سیدمهدی حاج قوام که از واعظان معروف و از اندیشمندان عارف و عضو جامعه علمیه تهران بود، در محل چهارسوق بزرگ بازار تهران روی چهارپایه به منبر رفت...او به استناد آیات قرآن گفت: «اختیارتان را به دست اجنبی وسایر ادیان ندهید. آنها به هیچ وجه نمی توانند با شما ارتباط دوستانه داشته باشند. آنها منافع شما را به خطر می‌اندازند.» من پای همان چهارپایه ایســـتاده بودم و به سخنرانی گوش می‌دادم که ناگهان پلیس از طرف چهارسوق کوچک و از طرف بازار آهنگرها حمله کرد وآقای قوام و پســـر آقا سیدصادق رضوی را دستگیر کردند و به زندان مهرآباد بردند؛ زیرا در زندانهای دیگر جـــا نبود. در آن روز تمام بازارهای آهنگرها و بازار نجارها به تعطیلی کشیده شد.(در جستجوی آزادی)

گزارش خلاصه شده روزنامه اطلاعات از تظاهرات روز ۲۱ آبان را در زیـــر مرور می کنیم: «اولین قســـمت تظاهرات امروز از خیابان شاهرضا شـــروع شد. باید دانست که این تظاهرات جزئی و موضعی بود و به محض رســـیدن مأمورین، تظاهرکنندگان متفرق می‌شـــدند. وهردفعه تظاهری رخ می داد چند نفر دســـتگیر شده و به فرمانداری نظامـــی منتقل می‌شـــدند... چون متظاهرین مرتباً شـــعار می دادند و متفرق نمی‌شدند، از طرف مأمورین اقدام به تیراندازی هوایی و بعد تیراندازی به سوی متظاهرین گردید کـــه بر اثر آن یکـــی از متظاهرین مجروح شـــد و گلوله به شکم او اصابت کرد. همچنین در خیابانهای نادری و شـــاه‌آباد نیز جمع ضمن تظاهـــرات، اعلامیه پخش کردند که پخش‌کنندگان اعلامیه بلافاصله دستگیر شدند... مقارن ساعت ۹ ونیم صبح آقای سرلشکر دادستان شخصاً به بازار آمد و به صاحبان مغازه‌ها و بازاریان اطمینان داد که کســـی حق تعرض و منع از کسب آنها را ندارد... مقارن این تذکر در ساعت ۱۰ آقای سرهنگ شاه‌خلیلی... به اتفاق چند نفر از مأمورین در حالی که مقداری رنگ سیاه حمل می‌کردند، به بازار آمدنـــد و هر دکان و مغازه‌ای را که بســـته بود، در کنار آن یک علامت ضربـــدر می‌زدند تا بعد از صاحب مغازه به علت عدم اشـــتغال به کار بازخواست شود...

در همین احـــوال در مقابل بازار عده‌ای اجتماع کرده بودند که مأمورین آنها را متفرق می ساختند و چون اجتماع کنندگان گاه‌گاه شعار می‌دادند، چند نفر از آنها دســـتگیر گردیدنـــد. همچنین دو نفر دختر همراه چهار نفر پسر در مقابل بانک ملی اعلامیه‌هایی بین عابرین پخش می‌کردند که مأمورین مطلع شـــده، آنها را بازداشت کردند. برای حفظ انتظامات بازار ۱۲ کامیون سرباز و دو زره‌پوش به علاوه عده‌ای از مأمورین شـــهربانی در میدان سبزه‌میدان و مقابل مسجد شاه و وزارت کشور گمارده شده بودند... از دبیرستان‌ها و دبســـتان‌های تهـــران نیز امروز سوار شده در خیابانها به تظاهرات ملی مبادرت ورزیدند.

مقـــارن ظهر امروز دو اتومبیل جیـــپ متعلق به فرمانداری نظامی حامل بلندگو به خیابان ناصرخسرو و ســـبزه‌میدان و بازار اعزام گردید. در این جیپ مأمورین به وســـیله بلندگو صاحبان مغازه‌ها را به بازکردن دکاکیـــن ترغیب می‌کردند و اعلام می‌نمودند که چنانچه دکانهایی که بسته‌اند از بازکردن خودداری کنند، علاوه بر اینکه علامت بر دکانهای آنها گذارده می‌شود، قفل دیگری نیز روی قفل دکان زده می‌شـــود و به این وســـیله از بازکردن دکان تا یک ماه جلوگیری به عمل می‌آید.

دستگیر شدگان: تا ظهر امروز عده دستگیرشدگانی که به فرمانداری نظامی تحویل داده شده بودند، ۹۰ نفر بوده‌اند.

مجروح شـــدگان: علاوه بر مجروحینـــی که بر اثر تیراندازی یا اصابت سرنیزه در خیابان شاهرضا وبـــازار مجروح شـــده بودند، در خیابانهای نادری و اســـالموول نیز ۸ نفر مجروح شدند. این جراحات همگی جزئی بوده. شخصی که گلوله به شـــکمش اصابت کرده بود، از بیمارستان شهربانی به بیمارستان سینا منتقل گردید.

دســـتگیری روزنامه‌فروش‌ها: مقارن ســـاعت یک بعدازظهر نیز دو نفـــر را که دربـــازار به طور مخفی روزنامه‌های مردم و صرصر را می‌فروختند، دســـتگیر ساختند. (اطلاعـــات، ۲۱آبـــان ۱۳۳۲) در پایان ایـــن گزارش، اســـامی تعدادی از بازداشت‌شدگان درج شده بود.

روز ۲۳ آبان روزنامه اطلاعات تکمیلـــی این واقعه را در صفحات اول و هشـــتم خود منتشر کرد. به نوشـــته روزنامه اطلاعات مقامات فرمانداری نظامی به دنبال تظاهرات ۲۱ آبان تصمیم گرفتند تا برای رعب و وحشـــت بازاریان، سقف بازار تهران را تخریب کنند. در روز جمعه ۲۲ آبان این اقدام شروع ودر نتیجه ۶ طاق ضربی و ۷ طاق شیروانی از طاقهای بازار تخریب شد. بازاریان که با این اقدام غافلگیر شده بودند، با مراجعه به روحانیت ودرخواست از آنها برای بازداشتن مقامات از این کار، به مقابله برخاسته و تلاش کردند که از ادامه آن جلوگیری کنند. این اقدام موثر واقع شد و دولت از ادامه تخریب سقف بازار خودداری کرد.

به نوشـــته روزنامه اطلاعات تعداد دستگیرشدگان تظاهرات روز ۲۱ آبـــان ۲۶۸ نفـــر بود که از این تعـــداد، ۲۱۸ نفر آنها همان صبح روز جمعه ۲۲ آبان به خارک تبعید شـــدند. علاوه بر آنها در روز شنبه ۲۳ آبان نیز ۵۰ نفر از کسبه بازار به دلیل تعطیل کردن مغازه خود دستگیر و تحویل مقامات فرمانداری نظامی شدند.(اطلاعات ۲۳ آبان ۱۳۳۲)

بدین ترتیب رژیم کودتا موفق شـــد تا یک بار دیگر مخالفان را بر سر جای خود بنشاند؛ ولی برخلاف تصور مقامات کودتا که می‌پنداشتند از طریق ایجاد رعب و ترس در دل مردم قادر به ساکت کردن آنها هستند، سیاست هراس و سرکوب نتیجه‌ای برایشان در بر نداشت. کمتر از یک ماه بعد، در جریان ســـفر ریچارد نیکســـون ـ معاون ریاست جمهوری آمریکا ـ به تهران، تظاهرات گسترده دانشـــجویی علیه رژیم آغاز شد. تظاهراتی که به حادثه ۱۶ آذر دانشگاه تهران و رسوایی هرچه بیشتر رژیم شاه، کودتاچیان وحامیان امپریالیست آنها منتهی شد.